

«حقائق أسرار الدین»، متنی کهن از میراث نصیریه: پژوهشی در
تاریخ‌گذاری و شناسایی مؤلف آن

حمید باقری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۷/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۳/۱۷)

چکیده

«نصیریه» از جمله فرقه‌های انحرافی شیعه امامی است که رویکرد باطنی-غالیانه در میان پیروان آن مشاهده می‌شود. نظر به ماهیت سرّی جریان‌های باطنی، آثار اندکی از میراث نصیریه به شکل عمومی در اختیار است. در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای با عنوان «سلسله التراث العلوی» نشر یافته که مشتمل بر آثار فراوانی از میراث نصیریان است. کتاب «حقائق أسرار الدین» از جمله آنهاست که در میان نصیریه به «ابومحمد حسن بن علی بن شعبه خرائی» - صاحب کتاب *تُحَفُ الْعُقُولِ* - نسبت یافته است. اهمیت این کتاب از آن روست که شامل نقل قول‌های بسیاری از آثار جریان غلو، به‌ویژه غلات سده‌های دوم و سوم کوفه، از جمله آثار منسوب به «مفضل بن عمر جعفی» و «محمد بن سنان»، است که امروزه محتوای شماری از این متون تنها به واسطه همین اثر در دست است. این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی شواهد مختلف، در گام نخست، تاریخی را که متن به آن تعلق دارد، تعیین و سپس مؤلف آن را شناسایی کند. بنا بر شواهد موجود و بر اساس نقد متنی، این متن اصالت تاریخی دارد و تاریخ حدودی آن سده چهارم هجری و منتسب به ابن شعبه خرائی است.

کلیدواژه‌ها: حقائق أسرار الدین، تاریخ‌گذاری، ابن شعبه خرائی، نصیریه، غلات.

Email: bagheri.h@ut.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

مقدمه

«نُصیریه/نُصیری» فرقه‌ای نام‌گرفته از «ابوشعیب محمد بن نُصیر فِهری نُصیری» است که در زمان حیات امام هادی علیه‌السلام چنین ادعا کرد که آن حضرت خداست و او را به پیامبری مبعوث نموده است. او به حُلُول، تناسخ و اباحهٔ محارم اعتقاد داشت [۷]، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ ۵۳، ص ۹۳-۹۴]. به نوشتهٔ «شیخ طوسی»، وی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، از یک سو ادعای مقام و جایگاه دومین نایب خاص امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، یعنی «ابوجعفر محمد بن عثمان عمری» (م. ۳۰۴ یا ۳۰۵ ق) را کرد و از سوی دیگر مدعی شد که باب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است، اما به واسطهٔ جهل و الحادی که از او بروز یافت، مورد لعن ابو جعفر محمد بن عثمان قرار گرفت [۳۸، ص ۳۹۸].

بررسی اندیشه‌ها و تعالیم نُصیری به خوبی روشن می‌سازد که این فرقه، تنها جریان باقی‌مانده از غلات عراق است که در دوران غیبت صغرا شکل گرفته و در طول حیات تاریخی خود، از جریان‌های مختلف غلات پیش از خود و حتی باورهای غیر اسلامی، همچون اندیشه‌های مسیحی و یونان باستان، اثر پذیرفته است.

این فرقه فراز و فرودهایی را در تاریخ حیات خود پشت سر گذاشته است. پس از مرگ مؤسسش، به گروه‌هایی چند تقسیم شد (در این باره نک: [۳۸، ص ۳۹۹]) که شاخهٔ اصلی آن بعدها توانست به رهبری «ابوعبدالله حسین بن حَمْدان خُصیبی» (۲۶۰-۳۴۶ یا ۳۵۸ ق) به حیات خود تداوم دهد. او توانست نظر مساعد حاکم حَمْدانی، «سیف الدوله» (حکومت ۳۳۳-۳۵۶ ق) را به خود جلب نماید و از کمک‌های او در تبلیغ تعالیم خود بهره برد. در این زمان وی حلب را برای ادامهٔ حیات خود و ترویج تعالیم برگزید [۴۴، ج ۲، ص ۲۳۸]. به سبب تأثیر شگرفی که اندیشه‌های خصیبی در تعالیم نُصیریان گذارد، گاه در برخی متون نُصیری، از این فرقه به «الخصیبیة الشعیبیة» نیز یاد شده است (نک: [۳۶، ص ۷۴]).

طبیعت تاریخ فرقه‌های مذهبی باطنی از جمله نُصیری، که نوعی تجربهٔ تقیه و پنهان‌کاری باطنی خودخواسته یا تحمیلی را داشته‌اند، موجب شده است تا دسترسی به

۱. امروزه پیروان این فرقه با نام «علویون/علویان» شناخته می‌شوند و در ترکیه و سوریه حضور دارند. عنوانی که «علی بن جعفر بن حمزهٔ حرانی» از عالمان نصیری برای باب سیزدهم کتاب خود «حجة العارف» [۱۸، ص ۲۸۲] آورده «الباب الثالث عشر فی معرفة العلویین»، خود شاهدهی است که اطلاق نام «علویان» بر نصیری تاریخ کهن دارد.

منابع و میراث مکتوب آنها، به شکل عمومی، برای همگان میسر نباشد. این میراث عمدتاً به شکل مخفیانه و با دسترسی محدود میان افراد خود فرقه دست‌به‌دست می‌شده است. بنابر همین طبیعت سری جریان‌های باطنی، چندان نمی‌توان توقع داشت که تاریخ همه چیز و همه افراد متعلق به آن روشن باشد؛ به‌ویژه آنکه سنت‌های تراجم‌نگاری که عموماً با انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی و مذهبی، از سوی حاکمیت‌ها حمایت می‌شده است، در مورد این گونه مکتب‌ها و مذاهب باطنی وجود نداشته است.

با این‌همه در سال‌های اخیر، به‌واسطه انتشار مجموعه ده جلدی از عمده منابع نصیری با عنوان «سلسله التراث العلوی»، مسیر جدیدی برای پژوهش درباره آثار و تعالیم این فرقه عالی باطنی گشوده شد. این مجموعه در لبنان، در میان سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ میلادی، به کوشش «ابوموسی» و «شیخ موسی» و مشتمل بر چندین اثر پیش‌دانسته غلات، همچون آثار منسوب به «مفضل بن عمر جعفی» (م. ۱۷۹ق)، و نصیری همچون «الهدایة الکبری» از خصیبی نشر یافته است. به‌علاوه، این مجموعه مشتمل بر متون ارزشمندی از میراث منتشر نشده نصیری است.

از جمله متون نصیری که در «سلسله التراث العلوی» نشر یافت، کتابی منسوب به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی با عنوان «حقائق أسرار الدین» است، عالمی که به‌واسطه تألیف کتاب ارزشمند «تخف العقول» در میان امامیه از شهرت قابل توجهی برخوردار است.^۱ بررسی اصالت تاریخی این متن و تعیین تاریخ حدودی و انتساب آن به ابن شعبه حرانی، موضوعی است که پژوهش حاضر به آن خواهد پرداخت.^۲ چنانچه انتساب این اثر به مؤلف ادعایی درست باشد، منبعی دست اول برای شناخت ابن شعبه حرانی در دست خواهد بود که می‌تواند به‌مثابه مکمل و حتی مصحح اطلاعات بسیار اندک موجود در منابع شرح‌حال‌نگاری امامی درباره وی مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت دیگر این اثر، اشمال آن بر حجم قابل توجهی از روایات عمدتاً باطنی است که غالباً از منابع غلات سده‌های دوم و سوم عراق، به‌ویژه کوفه، همچون آثار منسوب به مفضل بن عمر جعفی و آثار «اسحاق بن محمد نخعی أحمر» (م. ۲۸۶ق)، نقل شده‌اند. افزون بر

۱. در میراث نصیریہ چند اثر دیگر نیز با انتساب به حسن بن شعبه حرانی در دست است که عبارتند از: «رسالة موضحة حقائق أسرار الدین»، «مسائل لأبي محمد الحسن بن شعبه الحرانی» و «كتاب الإبتداء».
۲. بازخوانی محتوای کتاب حقائق أسرار الدین و شناسایی و تحلیل تعالیم منعکس شده از گروه‌های مختلف باطنی از جمله اندیشه‌های نصیریہ در آن خود پژوهشی مستقل را می‌طلبد که از موضوع مقاله حاضر خارج است.

این روایات، نقل قول‌های فراوان دیگری نیز از آثار غالیان عراق در حقائق أَسرار الدین دیده می‌شود که براهمیت آن به مثابه منبعی برای اطلاع از میراث غلات عراق می‌افزاید. این اهمیت زمانی دو چندان می‌شود که توجه داشته باشیم امروزه محتوای شماری از این متون تنها به واسطه همین اثر در دست است.

اصول اعتقادی نصیرییه و اهمیت کتاب حقائق أَسرار الدین در این باره

از نخستین عالمانی که به معرفی فرقه نصیرییه پرداخته، «سعد بن عبدالله اشعری قمی» (م ۳۰۰ یا ۳۰۱ ق) است. وی در کتاب «المقالات و الفرق» آنها را عده‌ای از قائلان به امامت علی بن محمد و نبوت فردی به نام محمد بن نصیر نمیری معرفی کرده است. نمیری ادعا می‌کرد که نبی و رسول است و امام هادی علیه‌السلام او را فرستاده است. وی قائل به تناسخ بود و در حق ابوالحسن غلو نمود و قائل به ربوبیت او شد. او محرمات را مباح می‌دانست و نکاح مردان با مردان را جایز می‌شمرد و تصور می‌کرد این کار از روی فروتنی است [۷، ص ۱۰۰]. با کمی تفاوت، همین مطالب در «فرق الشیعۀ» «حسن بن موسی نوبختی» نیز آمده است [۵۳، ص ۹۳].

«ابوالحسن اشعری» (م ۳۲۴ ق)، در گزارشی کوتاه، نمیرییه را فرقه‌ای از رافضه معرفی کرده که معتقد به حلول خداوند در نمیری بوده‌اند. بر این اساس می‌توان گفته که اعتقاد به حلول خداوند از باورهای محوری تعالیم نصیرییه بوده است. «بغدادی» (م ۴۲۹ ق) نیز در «الفرق بین الفرق» به همین نکته اشاره کرده است که «شریعیه و نمیرییه از حلولیه‌اند که گفتند روح خدا در پنج کس اندر آمد که پیغمبر و علی و فاطمه و حسن و حسین باشند و آن پنج تن خدایان‌اند» [۱۳، ص ۱۸۴-۱۸۶]. شهرستانی ضمن یادکرد دو فرقه نصیرییه و «اسحاقیه» در کنار یکدیگر، به وجه تمایز تعالیم این دو اشاره کرده و می‌نویسد که نصیرییه بیشتر معتقدند که جزء الهی در امام علی علیه‌السلام وجود دارد و اسحاقیه معتقدند که امام علی علیه‌السلام در نبوت با پیامبر شریک بود [۳۲، ص ۱۶۹].

به گفته مشکور، پطروشفسکی نیز این فرقه را که با دو عنوان «انصاریه» و «علویه» نیز خوانده می‌شود، منسوب به ابن نصیر دانسته و معتقد است که این فرقه در قرن پنجم هجری از شیعه امامیه منشعب شده است. به باور وی، تعالیم نصیرییه عبارت است از التقاط عناصر شیعه و مسیحیت و معتقدات مردم پیش از اسلام. به عقیده نصیرییه، خدا ذات یگانه‌ای است که مرکب از سه اصل لا یتجزی به نام‌های معنا و اسم و باب

است. این تثلیث به نوبت در وجود انبیا مجسم و متجلی گشته است. آخرین تجسم با ظهور اسلام مصادف شد و آن ذات یگانه در تثلیث لایتجزائی در وجود علی و محمد و سلمان فارسی تجسم یافت. بدین سبب، تثلیث مزبور را با حروف «عمس» معرفی نمودند که اشاره به حرف اول سه اسم علی و محمد و سلمان است. نصیریہ معتقد به تناسخ‌اند و مانند دروز به دو طبقه عامه و خاصه منقسم می‌گردند؛ خاصه از خود کتب مقدس دارند و مضمون آن‌ها را تأویل می‌کنند، ولی برای عامه مکشوف نمی‌سازند [۴۸، ص ۱۸۵-۱۸۶].

با این همه گفتنی است که در دوره‌های اخیر علویان تمام باورهای منتسب به خود را یکسر رد کرده و خویشان را شیعیان اثناعشری‌ای می‌دانند که با تمام دیدگاه‌های تشیع اثناعشری موافق‌اند. برای نمونه «محمود صالح» در کتاب «النبأ الیقین» به بیان اعتقادات علویان می‌پردازد و اظهار می‌دارد که اختلافی بین علویان و دیگر مسلمانان در جوهر دین نیست و اصول دین در نزد آنها همان اصول پنجگانه نزد همه امامیه یعنی توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است (در این باره نیز نک: [۴۶، ص ۱۱-۱۲]).

اما آنچه از میراث فکری کهن نصیریہ برجای مانده، هرگز این سخنان و داوری‌ها را تأیید نمی‌نماید. از جمله این آثار کتاب حقائق أسرار الدین منسوب به یکی از عالمان نصیری است. در این کتاب به روشنی تعالیم نصیریہ از جمله ترکیب ذات الهی از سه اصل لایتجزی به نام‌های معنا و اسم و باب [۱۶، ص ۱۵-۶۰]، حلول و تناسخ [۱۶، ص ۱۴۷-۱۴۹] قابل مشاهده است. هرچند بر اساس مطالب این کتاب، برخی باورهای منسوب به نصیریہ نیز قابل تردید است. از جمله انتساب جواز ازدواج مردان با مردان است که چنانکه گذشت سعد اشعری به این فرقه نسبت داده است، که در کتاب حقائق ضمن روایتی از امام صادق علیه‌السلام، به حرمت آن برای مؤمنان اشاره شده است [۱۶، ص ۱۴۹-۱۵۱]. اهمیت دیگر این کتاب مستندسازی تعالیم نصیریہ با نقل روایات مربوطه از امامان شیعه، به‌ویژه امام صادق علیه‌السلام است (در این باره نک: ادامه مقاله)، به‌گونه‌ای که سبب شده تا کتاب اثری روایی به نظر آید. بدین‌سان، تحقیق در خصوص تاریخ‌گذاری این متن و شناسایی مؤلف آن به‌مثابه منبعی برای شناخت دقیق‌تر تعالیم نصیریہ اهمیتی دوچندان می‌یابد.

درباره حقائق أسرار الدین

حقائق أسرار الدین عنوان کتابی است که برای نخستین بار در «مجموعه الخرائطین:

المؤلفات الخاصة» (مجلد چهارم مجموعه سلسله التراث العلوی) در سال ۲۰۰۶ میلادی با انتساب به حسن بن علی بن شعبة حرّانی نشر یافته است [۵۵، ۵۲۴، ش ۹]. این کتاب ظاهراً از مهم‌ترین آثار است که منظومه اعتقادات و اصول دین نصیری‌ها را که خود از آن به «الفقه الأكبر» تعبیر می‌کنند، تبیین می‌نماید.^۱

این اثر که به گفته «علی بن حمزة حرّانی»، یکی دیگر از افراد بنو شعبة حرّانی^۲، کتاب معروفی در میان نصیری‌ها بوده [۲۰، ص ۲۶۹] مشتمل بر یک مقدمه و سیزده باب است و هر باب مشتمل بر مطالبی است که مؤلف در لابه‌لای آنها احادیث فراوانی از ائمه علیهم‌السلام، گاه مُسند و گاه بدون ذکر سلسله سند، نقل کرده است. عناوین ابواب کتاب برآمده از محتوا و مدلول احادیث همان باب و تا حدود بسیاری بیانگر اصول اعتقادی مؤلف آن است.^۳ باورهایی که در این کتاب با استناد به احادیث بازتاب یافته، کاملاً با اعتقادات رایج و سنت رسمی امامیه متفاوت است و بیش از همه با عقاید فرقه نصیری‌ها همخوانی دارد و بیانگر آنهاست، به گونه‌ای که به یقین می‌توان مؤلف آن را از پیروان این مذهب قلمداد کرد.^۴

افزون بر محتوای کتاب، نقل قول فراوان از آثار و بزرگان فرقه نصیری‌ها تعلق مؤلف به این فرقه را نشان می‌دهد. برخی از این آثار عبارتند از: «کتاب الرسالة»^۵ از حسین بن حَمْدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ق)^۶، کتاب «المثال والصورة» از محمد بن نصیر نُمیری (م بعد از ۲۵۴ق؛ برای نمونه نک: [۱۶، ص ۲۳، ۴۲، ۷۷، ۹۵، ۹۸]) و نیز متون شناخته شده در میان این فرقه همچون کتاب «الهِفْت و الأَظْلَّة» (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۷، ۴۵، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۱۴۷]) و کتاب الأُسوس (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۴۰، ۶۰]) هر دو منسوب به مُفضَّل بن عُمر جُعفی، «کتاب الدستور» (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۵۵])

۱. نک: <http://3lawi.ahlamontada.org/t308-topic>. آخرین تاریخ مشاهده صفحه June 02, 2015.

۲. به گفته فریدمن، وی برادرزاده ابومحمد حسن بن علی بن شعبة بوده است. نک: [56], p. 46.

۳. شبیه این روش عنوان گذاری ابواب را می‌توان در عناوین ابواب کتاب وسائل الشیعة شیخ حر عاملی مشاهده کرد، به گونه‌ای که عناوین ابواب این جامع فقهی-حدیثی، آرای فقهی مؤلف آن است.

۴. جالب توجه آنکه مؤلف فصلی را به لزوم تقیه اختصاص داده و در آنجا از کتاب «المُرشد فی لزوم التقیة» ظاهراً اثر «ابواللیث محمود الشاشی» احادیثی را نقل کرده است. نک: [۱۶، ص ۱۴۵-۱۴۶]. در منابع

مختلف هیچ اطلاعی درباره این اثر یا مؤلف آن نیافتیم.

۵. حرّانی این کتاب را بر مؤلف قرائت کرده است. [۱۶، ص ۱۱۴].

۶. برای نمونه نک: [۱۶، ص ۴۷، ۷۱، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱، ۱۱۴].

از مؤلفی ناشناخته، «کتاب الصراط» (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۲۳، ۴۰، ۴۲، ۵۳، ۱۰۸]) و «کتاب باطن التکلیف» (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۳۶، ۴۹، ۱۱۲، ۱۱۳]) هر دو از «ابویعقوب اسحاق بن محمد الأحمر» و «کتاب الکرسی» (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۸۰]) از «ابو عبدالله محمد بن یعقوب مدائنی».

از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌شود که مؤلف آن را در اواخر عمرش تألیف کرده است؛ زمانی که خود را از آنچه حق می‌پنداشت دور می‌دید و دستانش را از مراتب رستگاران (پیروان نصیریه) کوتاه، آنگاه با هدف دوری از جایگاه شیعیان مقصره آن را تدوین کرد: «وَلَمَّا رَأَيْتُ مَدَّةَ عُمْرِي تَقَدَّمْتُ، وَ أَيَّامِي قَدْ تَقَصَّتْ، وَ طَوَالَ الْأَمَالِ قَدْ قَصُرَتْ، وَ عَلِمْتُ أَنَّ الْمَنِيَّةَ قَدْ دَنَتْ، وَ النَّقْلَةَ قَدْ قَرُبْتُ ... فَوَجَدْتَنِي^۱ عَنِ الْغَايَةِ مُقْصِرًا، وَ عَنِ دَرَجَاتِ أَهْلِ السَّبْقِ مُتَأَخِّرًا، ... وَ حُزْنًا عَلَى تَقْصِيرِي عَنِ مَرَاتِبِ الْفَائِزِينَ» [۱۶، ص ۱۱-۱۲].

بر اساس آنچه مؤلف در ادامه همین مقدمه نوشته، می‌توان حدس زد که وی کتابخانه‌ای مشتمل بر شمار قابل توجهی از منابع مکتوب را در اختیار داشته است: یکصد و پنجاه کتاب باطن از «مُوحِدُونَ» (نصیریه)، دویست و پنجاه کتاب مجموعاً از دیگر گروه‌های باطنی و عالی شیعی (یعنی «مُخَمَّسَه»^۲ و «مُفَوَّضَه»^۳)، مُقْصِرَه و کتب ظاهر:

۱. دانسته است که در دستور زبان عربی، چنانچه فاعل و مفعول به افعال قلوب هر دو ضمیر متکلم باشند به صورت متصل به فعل به همراه «ن» و قایه به کار روند، مانند این جمله شریف امام علیعلیه السلام در وصیت به امام حسن مجتبی‌علیه السلام که «أَيُّ بَنِيَّ إِتَى لَمَّا رَأَيْتَنِي قَدْ بَلَغْتُ سِنًا وَ رَأَيْتَنِي أُزْدَادُ وَ هُنَا بَادِرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ» [۱، نامه ۳۱، ص ۳۹۳]. برخلاف سایر افعال که در چنین مواردی، مفعول به همواره به همراه واژه «نَفْس» به کار می‌رود مانند عبارت «ظَلَمْتُ نَفْسِي».
۲. «مُخَمَّسَه» از نخستین فرقه‌های غلات شیعه بود که پنج تن آل عبا (پیامبر، علی بن ابیطالب، حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام) را تقدیس می‌کرد و به الوهیت آنها باور داشت. سعد بن عبدالله اشعری قمی مشروح‌ترین توصیف آموزه مخمسه را در بردارد [۷، ص ۵۶-۵۹، ۶۰-۶۱، ۶۳، ۱۹۲].
۳. مفوضه به کسانی اطلاق می‌شد که خلق، رزق، زنده کردن و میراندن را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلام نسبت می‌دادند و معتقد بودند که خداوند همه امور عالم را به آنان واگذار کرده است. این که مفوضه گروهی از غلات یا جدای از آن‌ها چند دیدگاه مطرح است. در میان متکلمان و نویسندگان فرق و مذاهب، مفوضه -چه به شکل یک گروه مستقل یا گروهی از غلات- حکم یکسانی با غالیان دارند و بر آنان، حکم شرک و کفر جاری شده است. شیخ صدوق بدون آنکه تفاوتی میان مخالفان مفوضه قائل شود، هر دو گروه را ذکر کرده و آنان را کافر و بدتر از یهود، نصارا و مجوس دانسته است [۳۲، ص ۹۷]. هر چند شیخ مفید، مفوضه را جزو غالیان می‌داند، اما میان این دو تمایز گذارده است

«و تأملتُ جميعَ ما انتهى إلىّ و عرفته من علم التوحيد الباطن، و هو شبه قريب مائتة و خمسين كتاباً من التوحيد الباطن و مائتين و خمسين كتاباً من التخميس و التفويض و التقصير و علم الظاهر على أن ما فيه يدلّ على الباطن...» [۱۶، ص ۱۲].

موارد معتنا بهی از آثار مورد استفاده مؤلف حقائق أسرار الدین و نقل‌هایی که از آنها آمده است، مانند آثار اسحاق بن محمد احمر نخعی، امروزه در دسترس نیستند، از این رو کتاب حقائق ارزش کتاب‌شناختی بسزایی یافته و منبعی مهم در بازیابی مطالب آن آثار به‌شمار می‌رود. نقل مطالب این متون با یادکرد عناوین آنها سبب تمایز این کتاب از سایر آثار نصیری شده است. مؤلف در این اثر از حدود بیست و چهار عنوان کتاب با تصریح بر عناوین آنها نقل قول‌هایی دارد. این آثار خود به سه بخش قابل تقسیم‌اند: آثاری که متون آنها تا به امروز باقی مانده است، آثاری که عنوان و نام مؤلفانشان دانسته است و نهایتاً، دسته سوم آثاری که تنها نام عناوین آنها دانسته است.

افزون بر این نقل قول‌ها، در این کتاب احادیث فراوانی از معصومان، از جمله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۲، ۱۳، ۳۲، ۳۵، ۶۷، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۶۳])، امام علی‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۷، ۱۳۴، ۱۶۴])، امام سجاد‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۵۳، ۵۵، ۱۴۶])، امام باقر‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۲، ۳۰، ۳۷، ۳۸، ۴۷])، امام صادق‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۴، ۲۴، ۳۹، ۴۱، ۴۳])، امام رضا‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۵۱، ۹۶، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۷۳])، امام جواد‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۴۶])، امام هادی‌علیه‌السلام یا امام حسن عسکری‌علیه‌السلام (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۳۲]) روایت شده است. جالب توجه آنکه بیشترین حجم روایات از امام صادق‌علیه‌السلام نقل شده است. سبب این امر نیز از دو جنبه قابل بررسی است: از یک سو فراوانی حجم روایات آن حضرت در میان شیعه به‌طور عام و از سوی دیگر نقل بسیار جریان‌های غالی از آن حضرت به‌طور خاص. دربارهٔ مسألهٔ اخیر گفتنی است که مؤلف خود به شکلی به آن پرداخته است، آنجا که به نقل از «حسن بن محمد» از «علی بن احمد بن علی» از پدرش از «ابراهیم بن داود» از «علی بن اسماعیل بن میثم» نقل می‌کند که «از امام صادق پنج هزار حدیث برایم روایت شد» که به گفتهٔ اسماعیل تنها دویست مورد از آنها نزد شیعه وجود دارد [۱۶، ص ۱۳].

بنابر ماهیت کتاب حقائق أسرار الدین که در صدد تبیین تعالیم و اندیشه‌های غلوآمیز نصیری است، بیشتر احادیث منقول در آن نیز با همین رویکرد غالبانه و باطنی است. با این وجود احادیث غیر باطنی نیز در این اثر قابل مشاهده است که خود به دو گونه قابل تقسیم است: دسته نخست شامل احادیثی است که در متون مختلف حدیثی امامیه نیز نقل شده است. از جمله این احادیث می‌توان به این حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره کرد که «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» [۱۶، ص ۱۳۳]. این حدیث در سایر منابع روایی از جمله «المحاسن»، «بصائر الدرجات» و «الکافی» نیز آمده است [۱۲، ج ۱، ص ۱۵۴؛ حدیث ۸۰؛ ۳۳، ج ۱، ص ۲۵۹؛ حدیث ۵؛ ۴۶، ج ۱، ص ۳۷۸؛ حدیث ۲]. نمونه دیگر از این دست احادیث، این سخن امام صادق علیه‌السلام است که «إِعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ مِنَّا عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ عَلَانَا» [۱۶، ص ۱۶۳] که مشابه آن در کتاب «عاصم بن حمید حنّاط»، «الکافی» و «رجال کشتی» نیز نقل شده است [۴۱، ص ۵۰؛ ۴۶، ج ۱، ص ۵۰، حدیث ۱۳؛ ۳۷، ص ۳، ش ۱، ۲، ۳]. دسته دیگر مشتمل بر احادیثی است که مشابه آنها در میان آثار موجود حدیثی امامیه تنها در کتاب تُحْفُ الْعُقُولِ دیده می‌شود.^۱

در پایان این بخش اشاره به این مطلب جالب توجه است که بنابر عبارتی از کتاب حقائق، می‌توان گفت که مؤلف آن به خوبی بر طرق روایات شیعه امامیه که خود از آنها با عنوان «المُقَصِّرِينَ» در مقابل «المُوحِدِينَ» (یعنی نصیریه) یاد می‌کند، آگاه بوده است: «هذه الأخبار من طرق مختلفة جهات غير جهة الموحدين، بل عن كثير من المقصرين مما رواه عامة الشيعة...» [۱۶، ص ۱۲۸].

تاریخگذاری متن و شناسایی مؤلف آن

عدم اشاره به کتاب حقائق أسرار الدین در منابع شرح‌حالی از یک‌سو^۲، و نبود طریق متصل به آن از سوی دیگر، تعیین دقیق تاریخ تألیف و نام مؤلف را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد. اما با جست‌وجو در متن کتاب می‌توان به شواهدی دست یافت که ما را در تعیین «حد اولیه زمانی»^۳ و «حد نهایی زمانی»^۴ یاری نماید.

۱. در ادامه درباره اهمیت این مسأله و نمونه‌های آن مطالبی خواهیم داد.

۲. عدم اشاره شرح‌حال نگاران به‌ویژه عالمان شیعی به عنوان این کتاب، به دلیل ماهیت سری این آثار و در حاشیه بودن جریان مذهبی نصیریه طبیعی است.

3. terminus post quem

4. terminus ante quem

نخست به شواهدی خواهیم پرداخت که بیانگر «حد اولیة زمانی» تألیف اثرند. نقل حدیثی غیر مُسند از الکافی محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق) می‌تواند شاهد خوبی در این باره باشد. این حدیث که با تعبیر «سُئِلَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» روایت شده به موضوع علم و مشیت الهی و ترتب رُتبی آنها پرداخته است، بدین معنا که از علم خداوند مشیت وی خیزد و از مشیتش اراده و از اراده‌اش تقدیر و از تقدیرش حکم و از حکمش امضاء. بر این اساس، علم الهی مقدم بر مشیت اوست و مشیت خداوند در مرتبه دوم و در رتبه بعدی اراده جای می‌گیرد. امام علیه‌السلام در ادامه به مسأله تغییر مُقدّرات نظام خلقت که از آن در مباحث کلام شیعی به «بداء» یاد می‌شود، اشاره می‌نماید. بنابراین سخن امام، تقدیر الهی بر حکم مقرون به امضاء واقع می‌شود که در این صورت در مورد چنین حکمی هرگز بداء رخ نخواهد داد.^۱ این حدیث از جمله نمونه‌های احادیث غیر باطنی در کتاب حقائق است؛ چه آنکه مشابه آن در منابع روایی امامیه نیز نقل شده است. جدول زیر به خوبی حاکی از آن است که متن حدیث در کتاب حقائق با کمی تفاوت از نسخه موجود الکافی نقل شده است.

حقائق أسرار الدین	الکافی
و قال فی کتاب الکافی و هو مشهور: إنَّ الله علم و شاء و أراد و قدر و قضی و أمضى، فالعلم متقدم المشیئة و المشیئة ^۲ متقدمه الإرادة و الإرادة متقدمه القدر و	عَلِمَ وَ شَاءَ وَ أَرَادَ وَ قَدَرَ وَ قَضَى وَ أَمْضَى فَأَمْضَى مَا قَضَى وَ قَضَى مَا قَدَرَ وَ قَدَرَ مَا أَرَادَ فَبِعِلْمِهِ كَانَتْ الْمَشِيئَةُ وَ بِمَشِيئَتِهِ كَانَتْ الْإِرَادَةُ وَ بِإِرَادَتِهِ كَانَ التَّقْدِيرُ وَ بِتَقْدِيرِهِ كَانَ

۱. «بداء» در لغت به معنای ظاهر شدن است (برای نمونه نک: [۱۴، ج ۱، ص ۳۵]) و در اصطلاح عبارت است از آشکار شدن امری از ناحیه خداوند برخلاف آنچه ظاهر بوده است که در واقع اولی را محو و دومی را اثبات کرده و خدا به هر دو حادثه آگاه است [۳۵، ج ۱۱، ص ۳۸۱]. بر این اساس، بداء به معنای تغییر مقدرات غیرحتمی از سوی خداوند بر اساس افعال اختیاری انسان، و پاره‌ای حوادث و وقایع و تحت شرایط و عوامل ویژه است (در این باره نک: [۲۸، ص ۵۰۳-۵۰۶]). بر اساس وعده‌های خداوند، به جای برخی از مقدرات غیر حتمی الهی، به جهت اختیار و عملکرد انسان نظیر صدقه، صلح، رحمت، نیکی به پدر و مادر و قدردانی از آنان یا ترک این‌گونه امور، سرنوشت بهتر یا بدتری برای وی رقم می‌خورد. علمای شیعه بر این نکته تأکید دارند که بداء درباره خداوند به معنای دگرگون شدن تصمیم و اراده او نیست، بلکه این لفظ همانند غضب و رضا در حق خدا استعمال مجازی دارد [۵۰، ص ۶۷].

۲. در متن چنین آمده است، اما درست آن «المشیئة» است.

القَدَرُ مُتَقَدِّمُ الْقَضَاءِ وَالْقَضَاءُ مُتَقَدِّمُ الْمَضَا،
 وَ لِلَّهِ الْبَدَا فِيمَا عِلْمٌ وَ شَاءٌ وَ أَرَادَ وَ قَدَرَ، فَإِذَا
 وَقَعَ الْقَضَا بِالْمَضَا فَقَدْ زَالَ الْبَدَا لِأَنَّ الْقَضَا
 بِالْمَضَا دَلَّ عَلَى الْمَدْرَكَاتِ الْمَحْسُوسَاتِ مِنْ
 ذَوَى الْأَجْسَامِ بِالرُّؤْيَةِ [۱۶، ص ۱۳۱].^۱

الْقَضَاءُ وَبِقَضَائِهِ كَانَ الْإِمْضَاءُ وَ الْعِلْمُ مُتَقَدِّمٌ
 عَلَى الْمَشِيئَةِ وَالْمَشِيئَةُ ثَانِيَةً وَالْإِرَادَةُ ثَالِثَةً
 وَالتَّقْدِيرُ وَاقَعَ عَلَى الْقَضَاءِ بِالْإِمْضَاءِ فَلِلَّهِ
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْبَدَاءُ فِيمَا عِلْمٌ مَتَى شَاءَ
 وَفِيمَا أَرَادَ لِتَقْدِيرِ الْأَشْيَاءِ فَإِذَا وَقَعَ الْقَضَاءُ
 بِالْإِمْضَاءِ فَلَا بَدَاءَ ... [۴۶، ج ۱، ص ۱۴۸-
 ۱۴۹، حدیث ۱۶].

نظر به تاریخ عرضه الکافی در بغداد در سال ۳۲۷ق، این تاریخ می‌تواند در تعیین زمان تقریبی آغاز تألیف کتاب حقائق مفید باشد. اما دو نکته وجود دارد که استفاده از این تاریخ را با اندکی تردید مواجه می‌سازد. نخست آنکه کتاب کلینی در زمان عرضه تحریر نهایی‌اش با عنوان الکافی نامبردار نبوده است، بلکه قدیمی‌ترین کاربرد نام الکافی برای کتاب از آن «ابوغالب زراری» در رساله معروف خود به نوه‌اش، نگاشته در سال ۳۵۶ق [۶، ص ۱۵۵]، است که این اثر کلینی را برای او روایت کرده است. ابوغالب خود صراحتاً بیان می‌دارد که بخشی از الکافی را بی‌واسطه از مؤلف سماع کرده و بخشی دیگر را از او اجازه داشته است [۶، ص ۱۷۶]. نکته دیگر آنکه روشن نیست آیا مؤلف حقائق حدیث مزبور را مستقیماً از الکافی نقل قول کرده یا به‌واسطه منبعی دیگر استفاده کرده است؛ در صورت اخیر، هیچ اشاره‌ای به نام منبع واسطه خود نکرده است. بی‌گمان اطلاعات موجود دیگر می‌تواند در این باره راهگشا باشد.

نقل بی‌واسطه حدیث از «محمد بن همام اسکافی» (م. ۳۳۶ق) نیز شاهی دیگر در تعیین محدوده تاریخی مؤلف حقائق است. بسامد این احادیث تا بدان حد است که کمتر بایی از ابواب کتاب را می‌توان یافت که حدیثی از وی نقل نشده باشد (برای نمونه نک: [۱۶، ص ۱۷، ۹۱، ۹۴، ۱۰۷، ۱۲۵]). شاهد دیگر در این باره نقل از ابوعبدالله حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ق) است که توجه به آن در تعیین حد آغازین تألیف کتاب حائز اهمیت است. نقل قول‌های فراوان مستقیم از خصیبی در کتاب حقائق (برای

۱. درباره عبارت «لأنّ القضا بالمضا دلّ علی المدرکات المحسوسات من ذوی الأجسام بالرؤیة» که در کتاب حقائق دیده می‌شود گفتنی است که با مقایسه دو متن روایت چنین به نظر می‌رسد که عبارت مذکور، توضیح تفسیری مؤلف یا عالم دیگری است.

نمونه نک: [۱۶، ص ۴۷، ۷۱، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱] و اسلوب‌های تحدیث از وی به‌خوبی بر این امر دلالت دارد که نگارنده کتاب از شاگردان خصیبی بوده است. به‌رحال دقیقاً تاریخ این سماعات دانسته نیست. قرینه دیگر در این مورد که از این نقل‌قول‌های شفاهی از خصیبی نیز مهم‌تر است، نقل مطالبی از «الرسالة الراجیه» از خصیبی است.^۱ بنابر آنچه در مقدمه تحقیق این رساله آمده است، خصیبی این اثر را در پی ملاقات با عزالدوله بختیار بن ابی منصور دیلمی، امیر سلسله شیعی مذهب آل بویه در عراق (حکومت ۳۳۱ یا ۳۳۲-۳۶۷ق)، و برای هدایت وی نگاشته است [۲۹، ج ۲، ص ۱۵].

بنابر این گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف کتاب حقائق احتمالاً در سده چهارم هجری یا پس از آن زندگی می‌کرده است. براین اساس، اثر حاضر کتابی جز حقائق أسرار الدین است که خصیبی در الهدایة الکبری به یونس بن ظبیان نسبت داده است [۲۴، ص ۲۷۲؛ نیز نک: ۱۱، ص ۱۱۷۲]. ضیائی پس از آنکه کتاب حقائق أسرار الدین را به یونس بن ظبیان نسبت داده [۳۴، ج ۱، ص ۸۷]، از اثری با عنوان حقائق أسرار الدین به روایت محمد بن شعبه حرّانی نیز یاد کرده و احتمال داده است که این اثر همان «رسالة موضحه حقائق الأسرار لمن یستقیظ من الأبرار» محمد بن شعبه حرّانی است [۳۴، ج ۱، ص ۸۸]. اما حقیقت آن است که رساله موضحه اثری متمایز و مستقل از حقائق أسرار الدین است، بدین‌سان می‌توان در درستی فرضیه ضیائی تردید کرد.

چنانکه اشاره شد برخی شواهد و قرائن دیگر نیز می‌تواند در تعیین «حدّ نهایی زمانی» نگارش کتاب حقائق مورد استفاده قرار گیرد. از جمله آنکه در کتاب الأصفی اثر ابو عبدالله محمد بن شعبه حرّانی - از بستگان نسبی جوان‌تر حسن بن شعبه - نیز نامی از کتاب حقائق أسرار الدین دیده می‌شود [۲۰، ص ۱۹۸]. دوره حیات این مؤلف دقیقاً دانسته نیست. فریدمن بدون ارائه هیچ‌گونه شاهی، وی را فرزند ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی دانسته است [۵۶، ص ۴۶، ۲۶۶]. شاید بتوان براساس برخی اطلاعات دوره تاریخی این مؤلف را تخمین زد. وی در اثر دیگرش «اختلاف العالمین» از «امیر جیش بن ناصح الدوله» به‌عنوان جدّ خود نام برده و مطلبی را از کتاب «ریحانه

۱. بنا به تصریح خود ابومحمد حسن بن شعبه حرّانی، وی این کتاب را بر مؤلف قرائت کرده است [۱۶، ص ۱۱۴].

الروح» وی نقل کرده است. جیش بن ناصح که این کتاب را برای «ابوالوقار حسن بن عمّار» نوشته است، به سخنی از «ابوالحسین، محمد بن علی جلی» استشهد کرده است [۲۰، ص ۲۹۶]. دانسته است که محمد بن علی جلی، معاصر حسن بن علی بن شعبه حرّانی بوده و در سال‌های ۳۹۷ق [۱۶، ص ۱۸۴] و ۳۹۹ق [۲۷، ص ۱۵۸] در حلب حضور داشته است، بنابراین جیش بن ناصح به تاریخی پس از این زمان تعلق دارد یا نهایتاً معاصر آن بوده است.

نشانه روشن‌تر در این باره سخن حمزه بن علی بن شعبه حرّانی مؤلف کتاب حُجّة العارف فی إثبات العدل علی المُباین و المُخالف است. وی ظاهراً نسخه‌ای از این کتاب را در ربیع‌الآخر سال ۴۰۸ق. برای کتابخانه «امیر ابوالحسن علی بن جعفر»^۱ استنساخ کرد: «و هو ممّا نسخه لخازنه الأمير^۲ السید أبی الحسن علی بن جعفر ... و ذلک فی شهر ربیع الآخر سنه ثمان و أربعمائه» [۲۹، ج ۴، ص ۲۳۹]. بنابراین گزارش، این اثر پیش از سال ۴۰۸ق نوشته شده است. او در این کتاب، در مواردی از کتاب حقائق أسرار الدین یاد کرده و مطالبی را از آن نقل کرده است. در مواردی صراحتاً آن را به حسن بن علی بن شعبه حرّانی نسبت داده است. از جمله آنکه در باب نهم کتاب درباره عقاید تقلیدی در خصوص آغاز خلقت و چگونگی صورت‌بندی آن، مطالبی شامل دو جدول از کتاب حقائق أسرار الدین با انتساب به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی نقل کرده است [۲۰، ص ۲۷۴-۲۷۶]، برای موارد دیگر نک: همان، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۲، که عیناً در کتاب حقائق نیز دیده می‌شود [۱۶، ص ۸۸-۸۹]. نمونه دیگر آنکه، علی بن حمزه در بحث از خلقت جسم انسان‌ها از خاک، با هدف تأیید نظر و دیدگاه خود سخنی را از ابومحمد حسن بن علی بن شعبه در کتاب حقائق نقل کرده است [۲۰، ص ۲۷۳]. برای موارد دیگر نک: همان، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۲.

از سوی دیگر تعبیری همچون «شرف الله مقامه»، «رضی الله عنه»، «قدّسه الله» و «نصر الله وجهه» (برای این تعبیر به ترتیب نک: [۱۸، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۲]) که علی بن حمزه در کتاب حجة العارف درباره مؤلف حقائق به کار برده حاکی از آن است

۱. به نظر می‌رسد وی همان ابوالحسن علی بن جعفر بن قلاح از امرای دولت فاطمیان مصر بوده است. به گفته ابن صیرفی مصری، ابوالحسن علی در سال ۴۰۶ق به رهبری سپاه فاطمیان به شام رفت و سه سال بعد در ۴۰۹ق دار فانی را وداع گفت. [۴]، ص ۳۰-۳۱. نیز نک: [۵]، ص ۷۴-۷۵.

۲. به نظر می‌رسد که عبارت «لخازنه الأمير» اشتباه چاپی بوده و «لخزانة الأمير» درست باشد.

که این مؤلف پیش از ۴۰۸ ق -تاریخ تألیف کتاب حجة العارف- دار فانی را وداع گفته بوده است.

نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است، مسأله اصالت کتاب حجة العارف از حمزة بن علی بن شعبة حرّانی است. براساس شواهد و گزارش‌های تاریخی، وجود حمزة بن علی از جمله افراد خاندان مشهور بنو شعبة حرّانی -که ظاهراً همه یا دست‌کم بیشتر افراد این خاندان از نصیری‌ها بوده‌اند- دانسته است (در این باره نک: [۵۶، ص ۴۵-۴۷]). آنچه شایسته تحقیق است، انتساب کتاب مزبور به اوست. برخی محققان صراحتاً کتاب حجة العارف را به حمزة بن علی بن شعبة حرّانی نسبت داده‌اند [۳۴، ج ۱، ص ۸۸؛ ۵۱، ص ۱۵۴؛ ۵۵، ش ۴].^۱ نسخه‌هایی از آن نیز با همین انتساب در کتابخانه ملی پاریس موجود است.^۲ البته باید اذعان داشت که مؤلف کتاب هر که باشد، تعلق اثر به نصیری از مطالب آن روشن و مبرهن است تا آنجا که مطالعه محتوای آن تردیدی در این امر باقی نمی‌گذارد که این اثر از میراث نصیری است.

پیشتر اشاره شد که حمزة بن علی بن شعبة حرّانی مؤلف کتاب حجة العارف مطالبی را از حقائق أسرار الدین نقل کرده است که در مواردی صراحتاً آن را به حسن بن علی بن شعبة حرّانی نسبت داده است. مؤید انتساب نگارش این اثر به ابومحمد حسن بن علی بن شعبة حرّانی نقل بی‌واسطه حدیث از محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) است. محمد بن همام اسکافی، دست‌کم در سنت امامی، از جمله استادان روایت ابن شعبة حرّانی به‌شمار رفته است. شاهد و مؤید دیگر آنکه، چنانکه گفتیم نقل بی‌واسطه حدیث و اسلوب‌های تحدیث نشان از آن دارد که نگارنده کتاب از شاگردان حسین بن حمدان خصیبی بوده است. «شوقی حداد»، محقق کتاب الهدایة الكبرى خصیبی، به‌هنگام یادکرد شاگردان خصیبی، از ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبة حرّانی نیز نام برده و آن را به «الرسالة المصرية» مستند کرده است [۲۳، ص ۴۴؛ نیز نک: ۴۲، ص ۳۱]. همچنین «شیخ محمود صالح»، ابومحمد حسن بن شعبة حرّانی را از عالمان و فقیهان متقدم نصیری برشمرده است [۵۴، ص ۱۵۴].

۱. لویی ماسینیون این اثر را به پدر علی بن حمزة بن علی بن شعبة حرّانی نسبت داده است. نک: [۵۷،

ج ۱، ش ۶۱.

۲. بخشی از این اثر (صص ۲۵۶-۲۵۷ در نسخه چاپی) در نسخه خطی کتابخانه پاریس به شماره ۱۴۵۰، برگ‌های ۵۱ب-۵۳الف موجود است.

بنابر آنچه گذشت، حد آغازین و نهایی زمانی تألیف کتاب حقائق أَسرار الدین نیمه نخست سده چهارم حدود سال‌های ۳۲۹ یا ۳۳۶ تا ۴۰۸ ق بوده است. این بازه زمانی با آنچه از حسن بن علی بن شعبه در منابع شرح‌حالی امامی آمده، سازگار است.

بنابر نظر مشهور شرح‌حال‌نگاران امامی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی محدّثی شیعی است که در حدود سده چهارم هجری می‌زیسته است. همه شرح‌حال‌نگاران متأخر، او را در زمره عالمان ثقه و مورد اعتماد امامی قرن چهارم و معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) و از استادان شیخ مفید (م ۴۱۳ق) معرفی کرده‌اند [۲۱]، ج ۲، ص ۷۴؛ ۴۴، ج ۱، ص ۱۰، ۲۹؛ ۱۰، ص ۱۲۶؛ ۸، ج ۱، ص ۲۴۴؛ ۲۵، ج ۲، ص ۲۸۹؛ ۳۱، ص ۴۱۳؛ ۹، ج ۵، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ ۲، ج ۳، ص ۴۰۰؛ ۳، ج ۱، ص ۹۳]، اما سید محسن امین براین باور است که هر چند شیخ مفید از ابن شعبه روایت کرده است، اما دلیلی بر اینکه وی از مشایخ مفید بوده باشد، وجود ندارد [۹، ج ۵، ص ۱۸۵]. در میان استادان روایت وی تنها به ابوعلی محمد بن ابی‌بکر همّام بن سهیل إسکافی (۲۵۸-۳۳۶ق)^۱ اشاره شده است [۳۱، ص ۴۱۴؛ ۹، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ۲، ج ۳، ص ۴۰۰؛ ۳، ج ۱، ص ۹۳]، که بنا بر یک گزارش اجزاهای نیز از او داشته است [۲۶، ج ۳، ص ۴۶].

این همه، انتساب کتاب به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی را تأیید و تقویت می‌نماید. با این حال، در اینجا این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا در کتاب تُحَف العُقُول ابن شعبه حرّانی اثر شناخته شده در میراث متأخر امامی - هیچ‌گونه ردّ پایی از اندیشه‌های نُصیری و تعالیم غالبانه دیده نمی‌شود؟ توجه به این پرسش این احتمال را زنده می‌کند که شاید با دو عالم، یکی امامی و دیگری نُصیری مذهب، مواجهیم که به‌طور کاملاً اتفاقی اسامی مشابهی داشته‌اند. افزون بر عدم تشابه محتوایی تُحَف العُقُول با ادبیات آثار نُصیری، نکته‌ای دیگر نیز می‌تواند مؤید تفاوت این دو شخصیت باشد و آن اینکه نگارش آثار حدیثی مرسل - که سبک نگارشی تُحَف العُقُول نیز همین گونه است - میان عالمان شیعی امامی از اواخر قرن پنجم به این سو بوده است.

در پاسخ به احتمال تعدّد ابن شعبه حرّانی امامی و ابن شعبه حرّانی نُصیری و

۱. وی محمد بن ابی‌بکر همّام بن سهیل کاتب إسکافی است که نجاشی و شیخ طوسی او را از بزرگان متقدمان امامی دانسته که منزلت والایی در میان ایشان داشته است. [۵۲، ص ۳۷۹، ش ۱۰۳۲؛ ۳۹، ص ۴۳۸، ش ۶۲۷۰؛ ۴۰، ص ۴۰۲].

مؤیدات آن باید گفت که اولاً، چنانکه دیدیم، از یک سو مؤلف کتاب حقائق أَسْرار الدین با بسامد بسیاری مستقیماً از محمد بن هَمَّام اسکافی نقل روایت کرده است و از سوی دیگر بنابر اطلاعات شرح حالی امامی، محمد بن همام در زمرة مشایخ روایت ابن شعبه معرفی شده است. مطلب دیگر آنکه، تألیف آثار حدیثی مرسل در سده چهارم - دوره حیات ابن شعبه حرانی - نیز پیشینه داشته است که از جمله می توان به این آثار اشاره کرد: «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» (زنده در ۳۰۷ق)، «تفسیر محمد بن مسعود عیاشی» (م نیمه اول قرن چهارم)، «التمحیص» از ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ق)، «إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب» از «ابوالحسن علی بن حسین مسعودی» (م ۳۴۵ یا ۳۴۶ق)، آثار «قاضی نعمان بن محمد مغربی» (م ۳۶۳ق) شامل «دعائم الإسلام» و «الإقتصار بصحیح الآثار عن الأئمة الأطهار» و «شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار»، غالب آثار «جعفر بن احمد بن علی قمی» (م نیمه دوم قرن چهارم) از جمله کتاب «الغایات» و «العروس» و «الأعمال المانعة من الجنة»، کتاب «من لا یحضره الفقیه» از شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، «المسترشد فی الإمامة» از «محمد بن جریر طبری امامی» (م. قرن چهارم)، «نهج البلاغة» از «سید رضی» (م ۴۰۶ق) و «طب النبی» اثر «ابوالعباس جعفر بن محمد مستغفری نسفی سمرقندی» (م ۴۳۲ق).

نکته دیگری که در این باره می توان به آن اشاره کرد وجود برخی روایات مشترک در هر دو کتاب حقائق أَسْرار الدین و تحف العقول است.^۱ احتمال این دو کتاب بر احادیث مشترک زمانی پراهمیت تر می شود که بدانیم برخی از احادیث منقول در کتاب حقائق در هیچ یک از آثار حدیثی امامیه جز کتاب تحف العقول نقل نشده است. از جمله این احادیث این سخن امام علی علیه السلام است که «أَنْتُمْ فِي مَهَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ...» [۱۶،

۱. برای نمونه هایی از این دست نک: حدیث امام باقر علیه السلام: «عالم ینتفع بعلمه أفضل من عبادة سبعین ألف عابد» [۱۵، ص ۱۲؛ ۱۶، ص ۲۹۴] بدون واژه «عبادة». این حدیث در بصائر الدرجات [۳۳، ص ۲۶، حدیث ۱] مشابه تحریر کتاب حقائق و در الکافی [۴۶، ج ۱، ص ۳۳، حدیث ۸] مشابه نقل تحف العقول روایت شده است. نمونه دیگر حدیث امام صادق علیه السلام که «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَ التَّوَاضُّعُ لَهُ» [۱۵، ص ۱۲؛ ۱۶، ص ۳۶۴]. این حدیث در المحاسن [۱۲، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱، حدیث ۴۳۹] بدون عبارت پایانی «وَ التَّوَاضُّعُ لَهُ» نقل شده است. مورد دیگر حدیث امام باقر علیه السلام است که «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أُجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ...» [۱۶، ص ۱۴؛ ۱۵، ص ۲۹۷] در المحاسن [۱۲، ج ۱، ص ۲۷، حدیث ۹] و الکافی [۴۶، ج ۱، ص ۳۵، حدیث ۴] نیز نقل شده است.

ص ۱۱۲] که در منابع متقدم حدیثی امامیه تنها در کتاب تحف العقول روایت شده است [۱۶، ص ۲۰۳].^۱ نمونه دیگر حدیثی از امام صادق علیه السلام است که در کتاب حقائق با این عبارت «من استنقذ حیران من حیره أسکنته جنتی و کتبتہ عندی» [۱۶، ص ۱۴] و در تحریر کتاب تحف العقول به این صورت «یَقُولُ اللَّهُ مَنْ اسْتَنْقَذَ حَیْرَانًا مِنْ حَیْرَتِهِ سَمَّيْتُهُ حَمِيدًا وَ أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي» [۱۶، ص ۳۸۲] آمده است. به هر روی، مشابهت میان این دو حدیث روشن و آشکار است.

در پایان باید گفت آنچه مسلم است اینکه منابع نصیری به خوبی ابن شعبه حرّانی را با عنوان «ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی» می‌شناختند و از او نقل قول کرده و با تجلیل از وی یاد می‌نمایند. چنانکه «ابوصالح دیلمی»، از عالمان نصیری سده پنجم هجری، در کتاب «هدایة المسترشد و سراج الموحّد» [۲۷، صص ۲۴۵-۲۴۶] قطعه شعری را از ابومحمد حسن بن شعبه که برای جعفر بن علی بن عبدالله بن شعبه سروده، آورده است. به گفته همو، ابومحمد ابن شعبه اشعار استوار دیگری نیز در باب توحید داشته است [۲۷، ص ۲۴۶]. وی، ابن شعبه را چنین معرفی کرده است: «و قد کان قدس الله روحه و شرف مقامه من الموحّدين العارفين البلغاء فی التوحید لرب العالمین...» [۲۷، ص ۲۴۶]. همچنین نظر به اینکه بیشتر نقل قول‌های علی بن جعفر بن حمزه حرّانی از ابومحمد حسن بن علی بن شعبه احادیث و روایاتی از امامان شیعی است،^۲ می‌توان گفت که وی به مثابه محدّثی بزرگ در میان نصیریه شناخته می‌شده است.

نتیجه

بنابر شواهدی که به تفصیل در متن مقاله گذشت، گفتنی است براساس متون پیروان نصیریه، قدیم‌ترین اطلاعات در دسترس از ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی به

۱. در این باره گفتنی است که یک قرن پس از ابن شعبه حرّانی، «حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی» از عالمان قرن پنجم هجری این حدیث را در «نزهة الناظر و تنبيه الخاطر» [۲۲، ص ۴۹، حدیث ۱۸] نقل کرده است. گفتنی است که این حدیث را «ابراهیم بن علی حصری قیروانی» (م ۴۵۳ق) نیز در «زهر الآداب و ثمر الألباب» [۴۵، ج ۱، ص ۷۰] آورده است.
۲. برای نمونه «و شاهد ذلك من الأخبار ما رواه أبو محمد بن شعبه الحرّانی» [۲۰، ص ۹۸]، «و مثل ذلك ما رواه أبو محمد الحسن بن شعبه» [۲۰، ص ۹۹] و «و قد وردت روايات كثيرة غير ما شرحناه ذكرها أبو محمد الحسن بن علی بن شعبه الحرّانی» [۲۰، ص ۲۷۲].

اندک زمانی پس از او یعنی در سده‌های چهارم و پنجم هجری بازمی‌گردد، برخلاف آنچه از او در منابع شرح حالی امامیان دانسته است که کهن‌ترین آنها متعلق به سده دهم هجری است. حمزه بن علی بن شعبه حرّانی عالم نصیری در کتاب خود حجة العارف فی إثبات العدل علی المبین و المخالف، نگاشته در ربیع‌الأول سال ۴۰۸ق، از ابن شعبه حرّانی نام برده و مطالبی را از آثارش نقل کرده است. ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی (م ۴۲۶ یا ۴۲۷ق)، از عالمان شناخته شده نصیری، نیز در برخی آثار خود از ابن شعبه حرّانی نام برده و مطالبی را از او بازگو کرده است.

بنابر همین شواهد، می‌توان با حد بالایی از اطمینان، ابن شعبه حرّانی را مؤلف کتاب حقائق أَسرار الدین دانست. با پذیرش انتساب این کتاب به وی می‌توان ابن شعبه را جزو پیروان نصیری به‌شمار آورد. بدین‌سان درباره ابن شعبه حرّانی گفتنی است که هرچند وی در آغاز امامی مذهب بوده، اما در اواخر عمر خود به فرقه نصیری گرایش یافته و به‌طور خاص در اواخر دوره حیاتش، رسماً در شمار آنان در آمده است. از این‌رو باید تألیف کتاب تحف العقول را پیش از این تغییر مذهب برشمرد، از این‌رو عدم تشابه محتوای آن با ادبیات آثار نصیری معقول و منطقی می‌نماید. بدین ترتیب پیوند ابن شعبه حرّانی با نصیری - که تألیف کتاب حقائق أَسرار الدین و توجه عالمان نصیری به وی و آثارش به‌روشنی بر این امر دلالت دارد - توجیه ناشناخته بودن وی برای عالمان متقدمی همچون نجاشی و شیخ طوسی تا سده دهم هجری است.

منابع

- [۱] نهج البلاغه (۱۳۸۷ه.ق). تحقیق: صبحی صالح، بیروت [بی‌جا].
- [۲] آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳ه.ق). الذریعة إلی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالأضواء.
- [۳] _____ (؟). طبقات أعلام الشیعة، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۴] ابن صیرفی، علی بن منجب بن سلیمان (۱۹۲۳م). الإیشارة إلی من نال الوزارة، تحقیق: عبدالله مخلص، مطبعة المعهد العلمی الفرنسي.
- [۵] ابن طولون، محمد بن علی (۱۴۱۸ه.ق). إنباء الأمراء بأنباء الوزراء، تحقیق: مهنا حمد المهنا، بیروت، دار البشائر الإسلامية.
- [۶] ابوغالب زُراری، أحمد بن محمد (۱۴۱۱ه.ق). رسالة ابي غالب الزراري الى ابن ابنه في ذكر آل اعين و تكملتها لابی عبد الله الغضائري، چاپ: سیدمحمد رضا حسینی جلالی، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامية.

- [۷] اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۹۶۳م). *کتاب المقالات و الفرق*، تصحیح: محمدجواد مشکور، طهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- [۸] افندی اصفهانی، عبدالله (۱۴۰۱ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، مطبعة الخيام.
- [۹] امین، سیدمحسن (؟). *أعیان الشیعة*، تحقیق: حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۱۰] بحرانی، حسین بن علی بن صادق (۱۴۰۴ق). *الطریق إلى الله*، تقدیم: مهدی السماوی، قم، منشورات حریمین.
- [۱۱] بدوی، عبدالرحمن (۱۹۹۷م). *مذاهب الإسلامیین*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- [۱۲] برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰ق). *المحاسن*، تحقیق: محدث ارموی، طهران، دارالکتب الإسلامیة.
- [۱۳] بغدادی، عبدالقاهر (۱۳۹۸ق). *الفرق بین الفرق*، ترجمه: محمدجواد مشکور، شهر، انتشارات اشراقی.
- [۱۴] جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *الصحاح*، تحقیق: احمد عبدالغفور العطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- [۱۵] حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق: علی اکبرغفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۱۶] _____ (۲۰۰۶م). *حقائق أسرار الدين*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعه الحرانیین، ج ۴، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، دیار عقل، دار لأجل المعرفة.
- [۱۷] _____ (۲۰۰۶م). *رسالة موضحة حقائق الأسرار*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعه الحرانیین، ج ۴، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، لبنان، دار لأجل المعرفة.
- [۱۸] حرانی، علی بن جعفر بن حمزه (۲۰۰۶م). *حجة العارف*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۴، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، دیارعقل، دار لأجل المعرفة.
- [۱۹] حرانی، محمد بن شعبه (۲۰۰۶م). *کتاب الأصفیر*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعه الحرانیین، ج ۴، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، دیارعقل، دار لأجل المعرفة.
- [۲۰] _____ (۲۰۰۶م). *إختلاف العالمین*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعه الحرانیین، ج ۴، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، دیارعقل، دار لأجل المعرفة.
- [۲۱] حرعاملی، محمد بن حسن (؟). *أمل الأمل فی علماء جبل عامل*، تحقیق: سیداحمد حسینی، بغداد، مکتبه الأندلس.
- [۲۲] حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم، مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام).
- [۲۳] خصیبه، حسین بن حمدان (؟). *الهدایة الكبرى*، تحقیق: شوقی حداد، بیروت، مؤسسه

السراج للطباعة.

- [۲۴] _____ (۱۴۱۱ه.ق). الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- [۲۵] خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ه.ق). *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، تهران، اسماعیلیان.
- [۲۶] دوانی، علی (۱۳۸۶). *مفاخر اسلام*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- [۲۷] دیلمی، ابوصالح (۲۰۰۸م). *هدایة المسترشد و سراج الموحد*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، دیار عقل، دار لأجل المعرفة.
- [۲۸] سجادی، جعفر (۱۳۶۷). *مدخل «بدا» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- [۲۹] اسم نویسنده (۲۰۰۶م)، *سلسله التراث العلوی*. تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، دیار عقل، دار لأجل المعرفة.
- [۳۰] شهرستانی، عبدالکریم (۱۳۶۴). *الملل و النحل*، تصحیح: محمد بن فتح الله بدران، قم، انتشارات رضی.
- [۳۱] صدر، سیدحسن (؟). *تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام*، شهر، شركة النشر و الطباعة العراقية.
- [۳۲] صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۴ه.ق). *الإعتقادات فی دین الإمامیة*، تحقیق: عصام عبد السيد، بیروت، دارالمفید.
- [۳۳] صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ه.ق). *بصائر الدرجات*، تحقیق: میرزا محسن کوجه باغی، طهران، منشورات الأعلمی.
- [۳۴] ضیائی، علی اکبر (۱۴۱۲ه.ق). *فهرس مصادر الفرق الاسلامیة*، بیروت، دار الروضه.
- [۳۵] طباطبایی، محمدحسین (؟). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جماعة المدرسين.
- [۳۶] طبرانی، ابوسعید میمون (۲۰۰۶م). *کتاب الحاوی فی علم الفتاوی*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۳، دیار عقل، دار لأجل المعرفة.
- [۳۷] طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸). *إختیار معرفة الرجال*، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد.
- [۳۸] _____ (۱۴۱۱ه.ق). *الغیبة*، تصحیح: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- [۳۹] _____ (۱۴۱۵ه.ق). *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۴۰] _____ (۱۴۲۰ه.ق). *فهرست کتب الشيعة و أصولهم*، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه العلامة الطباطبایی.
- [۴۱] عاصم بن حمید (۱۴۲۳ه.ق). *کتاب عاصم*، چاپ شده در *الأصول الستة عشر من الأصول*

- الأولى، تحقيق: ضياء الدين محمودی، قم، دارالحدیث.
- [۴۲] عاصی، اسد علی (۱۴۳۲ه.ق). *العلویون تاریخاً و مذهباً*، بیروت، دارالمحجّة البيضاء.
- [۴۳] علی عزیز ابراهیم (۱۴۱۹ه.ق). *العلویون فی دائرة الضوء*، بیروت، الغدير.
- [۴۴] قاسم محمود عبدالرؤوف (۱۴۱۳ه.ق). *الكشف عن حقیقه الصوفیه*، اردن، مكتبة الإسلامیه.
- [۴۵] قیروانی، ابراهیم بن علی حصری (۱۹۷۲م). *زهر الآداب و ثمر الألباب*، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالجلیل.
- [۴۶] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الكافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، طهران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۴۷] مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ه.ق). *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- [۴۸] مشکور، محمد جواد (۱۳۶۲). *تاریخ شیعہ و فرقہ های اسلام*، تهران، کتابفروشی اشراقی.
- [۴۹] مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۲). *اوائل المقالات*، تصحیح مهدی محقق، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
- [۵۰] _____ (۱۴۱۴ه.ق). *تصحیح إعتقادات الإمامیه*، تحقیق: حسین درگاهی، بیروت، دارالمفید.
- [۵۱] منصف بن عبدالجلیل (۱۴۱۹ه.ق). *الفرقة الهامشیه فی الإسلام*، تونس، مرکز النشر الجامعی بتونس.
- [۵۲] نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ه.ق). *فهرست أسماء مصنفی الشیعۀ المشتهر بـ رجال النجاشی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۵۳] نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ه.ق). *فِرَق الشیعۀ*، بیروت، دارالأضواء.
- [۵۴] هاشم عثمان (۱۴۰۵ه.ق). *العلویون بین الأسطورة و الحقیقه*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- [55] Catafago, J. (1876). "Nouvelles mélanges", *Journal Asiatique* 4.
- [56] Friedman, Yaron (2010). *The Nusayrī-ʿAlawīDs: An Introduction to the Religion, History and Identity of the Leading Minority in Syria*, Leiden • Boston, Brill.
- [57] Massignon, Massignon, L. (1963). "Esquisse d'une bibliographie nusayrie", *Opera Minora de Louis Massignon, Beirut*.